

بسم الله الرحمن الرحيم

پاسخ تشریحی سؤالات عربی کنکور گروه علوم انسانی سال ۱۴۰۵

تهیه شده توسط: استاد محمد حسین مکارم

استخراج شده از دفترچه آزمون - سؤالات ۸۱ تا ۱۰۰

نکته: پاسخ ها بصورت نیمه تشریحی بوده و توضیحات مختصر و مفید اتخاذ شده است

بخش اول: ترجمه و مفهوم

سؤال ۸۱ - عَيْنِ الصَّحِيح:

- (۱) «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»: و هر کس بر خدا توکل کند پس این توکل برایش کافی است.
- (۲) «وَلَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»: و گفتارشان تو را ناراحت نمی کند زیرا عزّت، همه از آن خداست.
- (۳) «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا»: خداوند کسانی را دوست دارد که در راهش با آنانکه صف در صف ایستاده اند، می جنگند.
- (۴) «وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»: و نیکی و بدی برابر نیستند. به شیوه ای که آن شیوه، نیکوتر است (بدی را) دور کن.

پاسخ تشریحی سؤال ۸۱:

گزینه صحیح: گزینه چهارم است.

توضیح:

در گزینه اول عبارت «فهو حسبه» به این معناست که خداوند برای کسی که به او توکل کند کافیست.

در گزینه دوم فعل «لا یحزنک» همانطور که مشخص است لا بر سر فعل مضارع آمده و آخر انرا هم مجزوم کرده است در نتیجه این یک فعل «نهی» است اما بصورت مضارع منفی معنا شده است در صورتی که معنای دقیق آن «نباید ناراحت کند» است.

در گزینه سوم عبارت «صفاً» حال فاعل هست اما طوری معنا شده که انگار ذو الحال مفعول یعنی کسانی هستند که مومنین با آنها در قتال هستند

سؤال ۸۲ - عَيْنِ الصَّحِيحِ:

«إِنْ نَطْلُبُ أَنْ يَكُونَ فِي كِتَابَتِنَا مُزَاحٌ فَلَنَكُنْ دَقِيقِينَ فِي اخْتِيَارِ الْكَلِمَاتِ، لِأَنَّ الْمُخَاطَبَ لَا يَرَى وَجْهَنَا وَلَا يَسْمَعُ صَوْتَنَا.»

۱) اگر بخواهیم در نوشتارمان شوخی باشد باید در انتخاب کلمات دقیق باشیم زیرا طرف مقابل چهره ما را نمی‌بیند و صدایمان را نمی‌شنود!

۲) اگر بخواهیم با نوشته‌هایمان شوخی کنیم پس باید کلمات دقیق را انتخاب کنیم چون مخاطب چهره‌مان را نمی‌بیند و صوتمان را نمی‌شنود!

۳) اگر خواهان شوخی کردن در نوشتارمان باشیم باید کلماتمان دقیق انتخاب شود زیرا مخاطب صورتمان را نمی‌بیند و صوتمان را نمی‌شنود!

۴) اگر خواستیم با نوشته‌هایمان شوخی کنیم پس باید کاملاً در انتخاب کلمات دقت داشته باشیم زیرا طرف مقابل ما را نمی‌بیند و صدایمان را گوش نمی‌دهد!

پاسخ تشریحی سؤال ۸۲:

پاسخ صحیح: گزینه اول

توضیح:

در دیگر گزینه ها کلمه «صوت» به صورت صحیح ترجمه نشده است از طرفی نیز عبارت «لا یسمع» به صورت ناصحیح ترجمه شده است و ترجمه دقیق آن این است که مخاطب صدایمان را نمیشنود نه اینکه به صدایمان گوش نمیدهد. گوش دادن همان ترجمه مصدر «استماع» از باب افتعال است در صورتی که در عبارت موجود در سوال از فعل « یسمع» از ریشه «سمع» به معنای شنیدن استفاده شده است.

سؤال ۸۳ - عَيْنِ الصَّحِيحِ:

«أَيُّهَا التَّلْمِذَةُ! مَا أَجْمَلَ أَنْ تَخْتَارِي أَفْصَحَ الْكَلَامِ وَأَحْسَنَ الْأَلْفَاظِ عِنْدَ مُخَاطَبَةِ مُعَلِّمِكَ وَتَجْتَنِبِي كَلَامًا لَا فَايْدَةَ فِيهِ»
أَيُّ دَانِشْ أَمُوزَا ...

(۱) زیباست که فصیح‌ترین کلمات و نیک‌ترین الفاظ را در خطاب به معلّم انتخاب کرده و از سخنان بی‌فایده باید دوری کنی.

(۲) چه زیباست که شیواترین سخن و بهترین کلمات را هنگام خطاب قرار دادن معلّم برگزینی و از کلامی که هیچ فایده‌ای در آن نیست، دوری کنی.

(۳) چقدر قشنگ است که با کلامی فصیح و الفاظی نیکو که برمی‌گزینی معلّم را مخاطب قرار دهی و از کلام بی‌فایده پرهیز کنی.

(۴) زیباترین انتخاب، خطاب کردن معلّم با رساترین سخن و کلماتی نیکوتر و پرهیز از سخنانی که هیچ فایده‌ای ندارد، می‌باشد.

پاسخ تشریحی سؤال ۸۳:

پاسخ صحیح: گزینه دوم

توضیح:

در دیگر گزینه ها عبارت «ما اجمل» که به معنای «چه زیباست» به صورت های دیگری ترجمه شده است. علاوه بر این تنها در گزینه دوم است که عبارت «لا فائدة فيه» به صورتی ترجمه شده که «لا» به صورت «لای نفی جنس» ترجمه شده. لای نفی جنس در واقع بر سر اسم داخل شده و به معنای «هیچ» است؛ در صورتی که این بار معنایی در گزینه های دیگر منعکس نشده است.

بخش دوم: ترجمه و مفهوم

سؤال ۸۴ - عَيْنِ الصَّحِيحِ:

«يَرْفَعُ الْحَرَامَ لِلْوَالِدَيْنِ دَرَجَةَ الْإِنْسَانِ، فَإِنْ وَقَعَتْ فِي الْمَشَقَّةِ الَّتِي لَا تَدْرِي سَبَبَهَا فَفَكِّرْ فِي سُلُوكِكَ»: احترام به پدر و مادر

- ۱) شأن انسان را بالا می برد چنانچه بدون علت در سختی ای افتادی، به رفتارت توجه کن.
- ۲) رتبه انسان را بالا می برد پس اگر در مشقتی که دلیل آن را نمی دانی افتادی به رفتار خود بیندیش.
- ۳) بالابرنده مقام انسان است پس اگر در مشقت گرفتار شدی و ندانستی دلیلش چیست به رفتارت نگاه کن.
- ۴) جایگاه انسان را ترفیع می دهد هرگاه در رنجی دچار شدی که علتش نامشخص است به رفتار خود فکر کن.

پاسخ تشریحی سؤال ۸۴:

پاسخ صحیح: گزینه دوم

توضیح:

در دیگر گزینه ها کلمه «درجه» که به معنای «رتبه» هست دقیق معنا نشده است؛ علاوه بر این فعل «لاتدری» که در واقع مضارع منفی بوده و به معنای «نمیدانی» هست به صورت های دیگری مانند مجهول یا ماضی التزامی منفی ترجمه شده است که متناسب با اسلوب «مضارع منفی» نیست. علاوه بر این در گزینه سوم عبارت «یرفع» که فعل مضارع هست، به صورت «اسم فاعل = بالابرنده» ترجمه شده است. در پایان هم باید اشاره کرد کلمه «اللتی» که اسم موصول است فقط در گزینه دوم بصورت دقیق ترجمه شده و بار معنایی آن بیان شده است.

سؤال ۸۵ - عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) «إِنْ لَمْ تُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ، أَنتُمْ لَكُمْ يَوْمَ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ»: اگر از آنچه خداوند از قبل روزی شما کرد انفاق نکنید روزی برایتان می آید که هیچ تجارتی و رفاقتی در آن نیست.
- (۲) «تُقَدَّرُ أَنْوَاعُ الْكَائِنَاتِ فِي بَحَارِ الْعَالَمِ بِالْمَلَائِكِينَ؛ تَسْبَحُ فِي أَعْمَاقِهَا وَهِيَ الْحَيَّةُ»: انواع موجودات را در دریاهاى جهان به میلیونها تخمین می زنى؛ در حالى که زنده اند در اعماق آن شنا می کنند.
- (۳) «إِنْ لَمْ تُحَدِّثِ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ فَسَيَبْقَى جِسْمُكَ فِي سَلَامَةٍ»: اگر مردم از هر چیزی که شنیدند گفتگو نکنند سلامت جسمت پایدار خواهد ماند.
- (۴) «فِي فَصْلِ الصَّيْفِ تَحْرَقُ أَقْدَامُ مَنْ يَسِيرُ عَلَى الرَّمَالِ مِنْ شِدَّةِ الْحَرِّ»: در فصل تابستان قدم های کسی که بر ماسه ها از شدت گرما حرکت می کند، می سوزد.

پاسخ تشریحی سؤال ۸۵:

پاسخ صحیح: گزینه اول

توضیح: در گزینه دوم کلمه «تقدر» فعل مضارع مجهول است در حالی که در ترجمه موجود این فعل به صورت معلوم و مفرد مخاطب مذکر ترجمه شده است؛ ترجمه دقیق آن «تخمین زده میشود» است. در گزینه سوم عبارت «ان لم تحدث الناس» به معنای «اگر با مردم صحبت نکنی» هست در صورتی که فاعل در این

ترجمه کلمه «الناس» ارائه شده است. در گزینه چهارم نیز ترجمه صحیح این است که: در فصل تابستان از شدت گرما، پاهای کسی که بر روی ماسه ها حرکت میکند می سوزد؛ اما گزینه اول بصورت قابل قبول عناصر معنا دار کلام را در ترجمه ذکر کرده است مخصوصاً «لا نفی جنس» را.

سؤال ۸۶ - عَيْنِ الْخَطَا (فِي الْمَفْهُوم):

- (۱) «وَجَدْتُ رَائِحَةَ الْوُدِّ إِنْ شَمَمْتُ رُقَاتِي»: الصَّدَاقَةُ تَبْقَى حَتَّى بَعْدَ مَوْتِ الْإِنْسَانِ وَإِلَى الْأَبَدِ.
- (۲) «وَاللَّهِ مَا رَأَيْنَا حُبًّا بَلَا مَلَامَةً»: لَيْسَ مِنَ الْمُمْكِنِ مُشَاهَدَةُ حُبٍّ لَا نَسْمَعُ عَنْهُ مَذَمَّةً مِنَ الْآخِرِينَ.
- (۳) «وَإِنْ شَكَّوْتُ إِلَى الطَّيْرِ حُزْنِي فِي الْوَكَنَاتِ»: إِذَا اسْتَمَعَتِ الطُّيُورُ إِلَى أَحْزَانِي، قُلْنَ: نَحْنُ فِي عُشِّنَا.
- (۴) «فَكَمْ مَرَّ عَيْشِي وَأَنْتَ حَامِلٌ شَهْدٍ»: إِنَّ بَعْضَ النَّاسِ مَعَ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النِّيَّاتِ الْحَسَنَةِ لَكِنَّهُمْ يُخْرِبُونَ حَيَاةَ الْآخِرِينَ.

پاسخ تشریحی سؤال ۸۶:

گزینه صحیح: گزینه چهارم

توضیح: در این چهار گزینه در واقع بیت هایی از اشعار عربی آورده شده و در کنار هر گزینه نیز معنا و مفهوم و مقصود هر بیت بیان شده است. بعد از بررسی کلی خواهیم دید که در تمام گزینه ها به جز گزینه چهارم، معنا و مفهوم شعر درست آورده شده اما در بیت چهارم مراد و منظور بیت «شیرینی و حلاوتی» است که مخاطب شعر آن را در اختیار دارد و در مقابل زندگانی و حال و هوا و روزگار شاعر «تلخ و ناراحت کننده» = فکرم مر عیشی است اما در این بیت از «نیت های افراد» و «مخرب بودن» آنها برای دیگران حرفی در میان نیست؛ در نتیجه گزینه درست همان گزینه چهارم بوده که مفهوم شعر به صورت درست بیان نشده است.

سؤال ۸۷ - عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْمَقْصُودِ مِنَ الْبَيْتَيْنِ:

«أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ / أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ

وَزَيَّنَهُ بِنُجُومٍ / كَالدُّرِّ الْمُتَشْرِعَةِ»

(۱) إِنَّ الشَّاعِرَ قَصَدَ أَنْ يُبَيِّنَ جَمَالَ اللَّيْلِ وَمَا فِيهِ مِنَ النُّجُومِ وَالْقَمَرِ.

(۲) الْغَرَضُ هُوَ التَّأَمُّلُ فِي خَلْقِ اللَّيْلِ وَالْقَمَرِ الَّذِي كَالدُّرِّ يَنْتَشِرُ مِنْهُ الضَّوُّ.

(۳) وَجُودُ الدَّرْرِ فِي سَمَاءِ اللَّيْلِ يُشِيرُ إِلَى جَمَالِ اللَّيْلِ وَالشَّاعِرُ يُرِيدُ تَشْبِيهَ اللَّيْلِ بِالدَّرِّ.

(۴) يَطْلُبُ الشَّاعِرُ أَنْ نُفَكِّرَ فِي اللَّيْلِ وَالْقَمَرِ وَخَالِقَهُمَا الَّذِي قَدْ قَامَ بِتَجْمِيلِ السَّمَاءِ وَاللَّيْلِ بِالنُّجُومِ الَّتِي كَالدُّرِّ يَنْتَشِرُ مِنْهُ الضَّوُّ.

پاسخ تشریحی سؤال ۸۷:

گزینه صحیح: گزینه چهارم

توضیح: قصد شاعر از توجه دادن مخاطب به آسمان و زیبایی های آن از جمله ماه و ستاره هایی که مانند در درخشان در آن میدرخشد چیزی جز توجه دادن مخاطب به خالق این زیبایی ها و به اصطلاح علم کلام و عقاید «سیر در آفاق و انفس» نیست. بنابر این گزینه های دیگر نمیتواند درست باشد چرا که در آن ها هدف شاعر صرفا توجه دادن مخاطب به زیبایی های شب و آسمان شب بیان شده در صورتی که هدف شاعر چیز دیگریست و هدف نهایی شاعر به صورت کامل فقط در گزینه چهارم بیان شده و در دیگر گزینه ها بصورت ناقص به آن پرداخته شده است؛ در انتخاب گزینه صحیح فقط کافی است که به مفهوم کلی شعر دقت کنیم تا بتوانیم هدف شاعر را شناسایی کنیم سپس این هدف را در گزینه ها جست و جو کنیم.

بخش سوم: ترجمه و مفهوم

سؤال ۸۸ - عَيْنِ الصَّحِيح:

«مَهْلًا، دَع شَاتِمَكَ مُهَانًا تُرْضِ الرَّحْمَنَ وَتُسْخِطِ الشَّيْطَانَ.»

- (۱) اصْبِرْ، وَقُمْ بِمُدَارَاهِ الَّذِي يَذُمُّكَ، فَعَدَمُ تَحْقِيرِهِ لَا يُسَبِّبُ إِلَّا إِرْضَاءَ اللَّهِ وَغَضَبَ الشَّيْطَانِ.
- (۲) أَعْطِ مُهْلَةً لِلْعَدُوِّ وَبَعْدَ ذَلِكَ قُمْ بِسَبِّهِ حَتَّى يَكُونَ ذَلِيلًا وَتَحْصُلَ عَلَى رِضَايَةِ اللَّهِ وَلَا تَتَّبِعِ الشَّيْطَانَ.
- (۳) اصْبِرْ، وَاتْرُكِ الَّذِي حَاوَلَ ذَمَّكَ وَسَبَّكَ وَهُوَ حَقِيرٌ؛ فَبِهَذَا الْعَمَلِ تُفَرِّحُ اللَّهَ وَتَجْعَلُ الشَّيْطَانَ يَغْضَبُ.
- (۴) الْهُدُوءُ أَجْمَلُ جَوًّا لِلَّذِي يَقُومُ بِسَبِّكَ فَاعْتَمِدْ عَلَى الْهُدُوءِ فِي تَحْقِيرِ الْآخَرِينَ، حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَنْكَ وَيَبْتَعدَ الشَّيْطَانُ عَنْكَ.

پاسخ تشریحی سؤال ۸۸:

گزینه صحیح: گزینه سوم

توضیح: مراد از این عبارت این است که کسی که تورا شماتت میکند و تورا مورد بدگویی قرار میدهد را حقیر رها کن و این کار تو خدا را خشنود و شیطان را غضبناک میکند. این معنا و مفهوم تنها در گزینه سوم وجود دارد. زیرا در گزینه اول سخن از عدم تحقیر شماتت کننده است که با کلمه «مهانا=حقیر و ناچیز» که در عبارت وجود دارد و اتفاقا شماتت کننده را حقیر مینامد سازگاری ندارد. در گزینه دوم مخاطب تشویق به دشنام دادن

شده است که باز هم با مفهوم عبارت در تضاد است زیرا عبارت بهیچ وجه تشویق به ناسزا گفتن نمیکند؛ در گزینه چهارم نیز باز هم سخن از تحقیر کردن شماتت کننده است در صورتی که طبق عبارت اصلی شماتت کننده ای که رها میشود و مورد اعتنا قرار نمیگیرد به خودی خود حقیر بوده و نیازی به تحقیر ندارد و به اصطلاح تحصیل حاصل است.

سؤال ۸۹ - عَيْنِ الصَّحِيحِ (فِي الْمَفْهُومِ):

«وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيهِ وَإِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَلَكِنْ أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ»

(۱) الْقَنَاعَةُ مِنْ أَهَمِّ صِفَاتِ إِمَامِكُمْ وَأَنْتُمْ لَا يُمَكِّنُكُمُ الْحُصُولُ عَلَى هَذِهِ الصِّفَةِ، وَلَكِنْ حَاوِلُوا كَثِيرًا وَاتَّقُوا وَأَنْصُرُونِي.

(۲) مَا كَانَ كَافِيًا لِإِمَامِكُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا هُوَ مَا لَا يُمَكِّنُكُمُ الْوُصُولُ إِلَيْهِ، فَحَاوِلُوا أَكْثَرَ فِي السَّعْيِ وَالْجُهْدِ حَتَّى أَنْصُرَكُمْ فِي الْوُصُولِ إِلَيْهِ.

(۳) قَائِدُكُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَا يَمْلِكُ إِلَّا قَلِيلًا وَأَنْتُمْ تَمْلِكُونَ الْكَثِيرَ، وَلَكِنْ لَا أَرَى فِيكُمْ اجْتِهَادًا فَسْتَسَاعِدُونِي فِي الزُّهْدِ وَالْتَّقَى.

(۴) اللَّبَاسُ الْعَتِيقُ كَانَ كَافِيًا لِإِمَامِكُمْ وَمِمَّا لَا شَكَّ فِيهِ أَنَّكُمْ لَا تَسْتَطِيعُونَ الْاِكْتِفَاءَ بِهَذَا الْمِقْدَارِ، وَلَكِنْ أَنْصُرُونِي بِسَعْيِكُمْ وَتَقْوَاكُمْ.

پاسخ تشریحی سؤال ۸۹:

پاسخ صحیح: گزینه چهارم

توضیح: در این عبارت که بر گرفته از نامه ۴۵ نهج البلاغه هست، حضرت علی علیه السلام به مردم این نکته را یاد آور میشود که امام آنها در این دنیا به دو لباس کهنه (طمرین) و بی ارزش بسنده کرده است زیرا معنای

کلمه «طمرین» دولباس کهنه و مندرس است.^۱ در نهایت نیز ایشان میفرمایند، این حد از زهد و تقوا برای شما سخت است و ممکن نیست اما شما با تلاش و پرهیزکاری مرا یاری کنید. در گزینه اول رسیدن به صفت زهد ناممکن شمرده شده است در صورتی که در عبارت چنین چیزی وجود ندارد. در گزینه دوم این طور بیان شده که گوینده قرار است گوینده (حضرت علی علیه السلام) مخاطب را یاری کند در صورتی که مسئله کاملاً برعکس است؛ در گزینه سوم نیز این طور بیان شده که مخاطب بر خلاف گوینده مالک اموال و بهره زیادی از دنیا است و در وجود مخاطب تلاشی دیده نمیشود در حالی که در کلام حضرت هیچ اشاره ای به این مسئله نشده است و در نهایت آن گزینه ای که نزدیکترین مفهوم را به متن اصلی دارد همان گزینه چهارم خواهد بود.

^۱. باید اشاره کرد که اصل واژه «طمرین» بوده که اسم مثنی است و اسم های مثنی هنگام اضافه شدن نوشتار حذف میشود.

يَذْكُرُ أَحَدُ الْعُلَمَاءِ مَجْمُوعَةً مِنَ الْأَسْرَارِ وَالطُّرُقِ الَّتِي تُوَصِّلُ الْإِنْسَانَ إِلَى النَّجَاحِ وَالْهَدَفِ. وَهَذِهِ الْأَسْرَارُ تَجْعَلُ الشَّخْصَ إِنْسَانًا مُجْتَهِدًا فِي حَيَاتِهِ. وَمِنْ هَذِهِ الْأَسْرَارِ هِيَ: أَنَّ نَجَاحَ الْفَرْدِ فِي تَحْقِيقِ مَا يُرِيدُهُ يَرْتَبِطُ بِقُوَّةِ الْإِتِّزَامِ لَدَيْهِ. فَالْعَزْمُ وَالْإِصْرَارُ، هُمَا مِفْتَاحَانِ لِنَجَاحِهِ. يَقُولُ الْوَاصِلُونَ إِلَى أَهْدَافِهِمْ إِنَّ الْإِرَادَةَ الْقَوِيَّةَ لَهَا دَوْرٌ كَبِيرٌ فِي اكْتِسَابِ النَّجَاحِ؛ فَبِهَا يَغْلِبُ الْإِنْسَانُ عَلَى الصَّعَابِ. فِي حِينٍ أَنْ الْعَجَلَةَ تُبْعِدُ الْإِنْسَانَ عَنِ النَّجَاحِ لِأَنَّ الْعَجُولَ يَفْقِدُ مُقَاوَمَتَهُ حِينَ يُرِيدُ تَحْقِيقَ أَهْدَافِهِ وَلَكِنَّ الصَّبْرَ يَسْتَفِيدُ مِنَ الْفُرْصِ لِلْبُلُوغِ إِلَى أَهْدَافِهِ وَالْغَلْبَةِ عَلَى مَشَاكِلِهِ وَيَسْتَمِرُّ مُجَدِّدًا وَيَسْعَى لِلْوُصُولِ إِلَى الْمَرَاحِلِ الْعَالِيَةِ. وَهَذِهِ هِيَ بَعْضُ الْمَفَاتِيحِ الَّتِي تُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْوُرُودِ فِي سَاحَةِ النَّجَاحِ.

سؤال ۹۰ - عَيْنُ سؤَالٍ لَمْ يَأْتِ جَوَابُهُ فِي النَّصِّ:

- (۱) لِمَاذَا يَسْتَطِيعُ الصَّبْرُ أَنْ يَصِلَ إِلَى هَدَفِهِ؟
- (۲) مَا هُوَ سِرُّ نَجَاحِ الَّذِينَ وَصَلُوا إِلَى أَهْدَافِهِمْ؟
- (۳) مَا هِيَ أَسْبَابُ حُصُولِ الْإِرَادَةِ الْقَوِيَّةِ لَدَى الْإِنْسَانِ؟
- (۴) مَا الْفَرْقُ بَيْنَ الْعَجُولِ وَالصَّبْرِ فِي مَجَالِ الْوُصُولِ إِلَى الْأَهْدَافِ؟

پاسخ تشریحی سؤال ۹۰:

پاسخ صحیح: گزینه سوم

توضیح: در این متن در مورد سر موفقیت و پیروزی و دستیابی به هدف های مشروع صحبت شده ولیکن در مورد راه تقویت اراده حرفی زده نشده اما از دیگر گزینه ها یعنی فرق عجل و صبور، سر موفقیت صبور و و راز موفقیت انسان های موفق در متن اشاره شده است.

سؤال ۹۱ - عَيْنٌ مَا لَمْ يُذَكَّرْ فِي النَّصِّ:

(۱) نَتِيجَةُ الْعَجَلَةِ خَيْرٌ أَلَمْ، لَأَنَّكَ لَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَحْمَلَ الصُّعُوبَاتِ مِنْ أَجْلِ النَّجَاحِ وَأَنْتَ عَجُولٌ.

(۲) إِنْ لَمْ يَكُنِ الْإِنْسَانُ عَالِمًا بِالْمَوْضُوعِ فَلَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَصْبِرَ كَمَا هُوَ حَقُّهُ!

(۳) النَّاجِحُ فِي الْحَيَاةِ هُوَ الَّذِي لَا يَيْأَسُ وَيَنْتَظِرُ حَتَّى تَصِلَ اللَّحْظَةُ الْمُنَاسِبَةُ.

(۴) الْإِنْسَانُ إِذَا كَانَ دَوُّوبًا فَيَقْدِرُ أَنْ يَرَى نَتِيجَةَ سَعْيِهِ وَعَمَلِهِ.

پاسخ تشریحی سؤال ۹۱:

گزینه صحیح: گزینه دوم

توضیح: متن موجود همانطور که در جواب سوال قبل هم بیان شد در مورد یکی از راه های موفقیت که همان «صبر و عدم عجله» و «تلاش و پشتکار مستمر» است سخن رانده شده و در این بین فرق عجل و صبور هم بیان شده است؛ اما در مورد موضوعی مانند «علم به موضوع» و تاثیر آن بر موفقیت، حرفی زده نشده است. بنابراین اگر مفهوم و مقصود اصلی متن را به دست بیاوریم به راحتی مسائلی که ردی از آن ها در متن نیست را شناسایی خواهیم کرد.

سؤال ۹۲ - مَا هُوَ الْغَرَضُ مِنَ النَّصِّ؟

(۱) طَرُقُ تَحَقُّقِ مَا يَطْلُبُهُ الْإِنْسَانُ.

(۲) تَوْضِيحُ دَوْرِ الصَّبْرِ فِي اكْتِسَابِ الْإِتِّزَامِ.

(۳) بَيَانُ كَيْفِيَّةِ الْحُصُولِ عَلَى الْإِرَادَةِ الْقَوِيَّةِ.

(۴) مُضِرَّاتُ الْعَجَلَةِ وَآثَرُهَا فِي الْحُصُولِ عَلَى النَّجَاحِ.

پاسخ تشریحی سؤال ۹۲:

گزینه صحیح: گزینه اول

توضیح: با توجه به مفهوم کلی متن، هدف اصلی متن بیان راه های موفقیت انسان و رسیدن به هدف هست البته که دیگر گزینه ها نیز به صورت ضمنی در متن به آنها اشاره شده اما نمیتوان آنها را هدف اصلی متن دانست.

بخش پنجم: اعراب و تحلیل صرفی

سؤال ۹۳ - عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

«يَفْقَدُ - تَجْعَلُ - تَبْعُدُ - يَسْتَمِرُّ»

- (۱) يَفْقَدُ: ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ، مَعْلُومٌ، مُتَعَدٍّ / فِعْلٌ و «مُقَاوَمَةٌ» مَفْعُولٌ بِهِ وَمَنْصُوبٌ.
- (۲) يَسْتَمِرُّ: فِعْلٌ مُضَارِعٌ، لَازِمٌ، مَجْهُولٌ / فِعْلٌ وَمَفْعُولُهُ «مُجْتَهِدًا» وَالْجُمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ.
- (۳) تَبَعَدُ: ثَلَاثِيٌّ مُزِيدٌ مِنْ بَابِ تَفْعِيلٍ، لَازِمٌ، مَعْلُومٌ / فِعْلٌ و «الْإِنْسَانُ» مُبْتَدَأٌ وَمَرْفُوعٌ.
- (۴) تَجْعَلُ: فِعْلٌ مُضَارِعٌ، مُفْرَدٌ مُذَكَّرٌ مُخَاطَبٌ، مُتَعَدٍّ / فِعْلٌ وَقَاعِلُهُ «الشَّخْصُ» وَمَرْفُوعٌ.

پاسخ تشریحی سؤال ۹۳:

گزینه صحیح: گزینه اول

توضیح: برای پیدا کردن گزینه صحیح کافیهست به نکات کلیدی توجه کنیم. گزینه دوم در همان ابتدای کار کنار می‌رود چرا که «یستمِر» فعل مجهول نیست زیرا در فعل مجهول مضارع حرف مضارعه یا همان «اتین» ضمه داشته و حرف یکی مانده به آخر آن نیز مفتوح است. گزینه سوم نیز در همان ابتدای کار کنار خواهد رفت چون فعل «تبعَد» از باب تفعیل نیست. در باب تفعیل حرف مضارعه ضمه دارد؛ در گزینه چهارم نیز فعل «تجعل»^۲ مفرد مونث غایب بوده و مخاطب نیست و علاوه بر این کلمه «الشخص» منصوب و مفعول به اول آن است. در نتیجه تنها گزینه درست همان گزینه اول است که تمام مشخصات فعل «یفقد» را به صورت صحیح بیان کرده است.

سؤال ۹۴ - عَيْنِ الْخَطَأِ:

^۲ . باید توجه داشت که فعل «تجعل» از افعال دو مفعولی محسوب میشود و نیاز به دو مفعول به دارد.

«مُجْتَهِدًا - مَجْمُوعَةٌ - الْعَجُولُ - الْإِتْرَامُ»

(۱) الْإِتْرَامُ: اسْمٌ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مُصَدَّرٌ مِنْ بَابِ افْتِعَالٍ، مَعْرِفَةٌ / مُضَافٌ إِلَيْهِ وَمَجْرُورٌ.

(۲) مَجْمُوعَةٌ: اسْمٌ، مُفْرَدٌ، مُؤَنَّثٌ، اسْمٌ مَفْعُولٌ، نَكِرَةٌ / مَفْعُولٌ بِهِ وَمَنْصُوبٌ.

(۳) مُجْتَهِدًا: اسْمٌ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، اسْمٌ فَاعِلٍ، نَكِرَةٌ / مَفْعُولٌ بِهِ وَمَنْصُوبٌ.

(۴) الْعَجُولُ: اسْمٌ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مَعْرِفَةٌ / اسْمٌ أَنْ وَمَنْصُوبٌ.

پاسخ تشریحی سؤال ۹۴:

گزینه صحیح: گزینه سوم

توضیح: در مورد کلمه «مُجْتَهِدًا» تمام مشخصات درست بیان شده است الا اینکه این کلمه مفعول به نبوده بلکه منصوب بودن آن به این خاطر است که درواقع صفت برای کلمه «انسانا» قرار گرفته است.

بخش ششم: قواعد و نکات دستوری

سؤال ۹۵ - عَيْنُ حَرْفِ «عَلَى» يَخْتَلِفُ فِي الْمَعْنَى:

- (۱) عَلَيْكُمْ بِالْقِيَامِ بِأُمُورِ النَّاسِ لَأَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ يَهْتَمُّ بِهَا.
- (۲) الْيَوْمَ يَصْنَعُ عَذَابَكُمْ فَعَلَيْكُمْ أَنْ تَتَنَفَّعُوا بِهِ بِأَحْسَنِ صُورَةٍ.
- (۳) يَا تَلَامِيذُ! عَلَيْكُمْ بِقِرَاءَةِ الدُّرُوسِ وَكِتَابَةِ وَاجِبَاتِكُمْ لِفَهْمِهَا.
- (۴) قَدْ تَحْسِبُونَ أَنَّ شِدَائِدَ الدَّهْرِ عَلَيْكُمْ وَلَكِنَّ الْحَيَاةَ تَقُولُ شَيْئًا آخَرَ.

پاسخ تشریحی سؤال ۹۵:

گزینه صحیح: گزینه چهارم

توضیح: در تمامی گزینه ها حرف «علی» برای منظور ایجاد تکلیف و التزام آمده است اما در گزینه چهارم مراد از «علیکم» بر علیه شخص و بر ضد و ضرر شخص بودن هست.

سؤال ۹۶ - اِمْلِ الْفَرَاعَاتِ بِالْكَلِمَاتِ الْمُنَاسِبَةِ:

«إِنَّ عَدَدَ السُّيَاحِ (۸۵)، شَاهِدَ (۲۰) مِنْهُمْ الْمَنَاطِقَ الْخَلَابَةَ وَلَكِنْ لَمْ يَتَعَجَّبْ مِنْ تِلْكَ الْمَنَاطِقِ إِلَّا (۲).»

(۱) خَمْسَةٌ وَثَمَانُونَ - عَشْرُونَ - سَائِحَانِ اثْنَانِ

(۲) خَمْسَةٌ وَثَمَانُونَ - عَشْرِينَ - سَائِحِينَ اثْنَيْنِ

(۳) ثَمَانُونَ وَخَمْسَةٌ - عَشْرِينَ - اثْنَانِ سَائِحَانِ

(۴) ثَمَانِينَ وَخَمْسَةٌ - عَشْرُونَ - اثْنَيْنِ سَائِحَيْنِ

پاسخ تشریحی سؤال ۹۶:

گزینه صحیح: گزینه دوم

توضیح: کلمه «عشرین» در واقع نقش مفعول به را داشته و باید منصوب باشد؛ در حالت منصوبی هم باید به صورت «عشرین» بیان شود نه «عشرون»^۳. علاوه بر این کلمه ای که بعد از «الا» میاید مستثنی بوده و باید منصوب بیان شود و در این حالت لازم است که «سائحین اثنین» بیان گردد چرا که «سائحان اثنان» دارای اعراب مرفوعی است. برای توضیح باید گفت اسم های مثنی در صورت مرفوع شدن «الف و نون» و در صورت مجرور و یا منصوب شدن «یاء و نون» میگیرند.

سؤال ۹۷ - عَيْنٌ مَا فِيهِ النَّفْيُ أَشَدُّ:

(۱) لَا يُحْزِنُكَ عَمَلٌ هَؤُلَاءِ!

^۳. عشرین از اعداد عقود است که آن را از ملحقات مثنی به حساب آورده و احکام اسم های مثنی را بر آن جاری میکنند.

(۲) لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ!

(۳) لَا تَسْمَعُ مَا لَا يَرْتَبُ بِكَ!

(۴) لَا يَكْذِبُ مَنْ كَانَ شُجَاعًا!

پاسخ تشریحی سؤال ۹۷:

گزینه صحیح: گزینه دوم

توضیح: در این گزینه «لا» از نوع «لای نفی جنس» بوده که در ترجمه «هیچ» معنا میشود فلذا از بار منفی بیشتری برخوردار است.

سؤال ۹۸ - عَيْنٌ جَوَابًا فِيهِ فِعْلٌ يَدُلُّ عَلَى تَغْيِيرٍ مِنْ حَالِهِ إِلَى أُخْرَى:

(۱) كَانَ الشَّاتِمُ يَخْجَلُ حِينَ رَأَى خُلُقَ الْمَشْتُومِ.

(۲) لَيْسَ التَّحَوُّلُ فِي الثَّقَافَةِ بَعْتَهُ فَإِنَّهُ يَحْدُثُ بِالتَّدْرِيجِ.

(۳) أَصْبَحَ الْجَوُّ مُلَوَّنًا فَذَهَبَ النَّاسُ إِلَى الْحَدَائِقِ الْعَامَةِ.

(۴) لَا أَعْجَبُ بِنَفْسِي حِينَ انْتَخَبْتُ فِي حَيَاتِي أَهْدَافًا رَفِيعَةً.

پاسخ تشریحی سؤال ۹۸:

گزینه صحیح: گزینه سوم

توضیح: در این گزینه از یکی از مهمترین افعال ناقصه یعنی «اصبح» استفاده شده است که معنا و استعمال اصلی آن بیان تغییر از حالی به حال و حالت دیگر هست.

سؤال ۹۹ - عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَائِغَاتِ:

«..... الْإِنْسَانُ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا؛ فَإِنَّ اللَّهَ أَرْسَلَ رَسُولَهُ طَرِيقَ السَّادَاتِ، فَعَلَى اللَّهِ فَ..... النَّاسُ.»

(۱) لَا يُشْرِكُ - أَنْ يُبَيِّنَ - يَتَوَكَّلُ

(۲) لِيُشْرِكُ - حَتَّى يُبَيِّنَ - يَعْتَمِدُ

(۳) لَنْ يُشْرِكَ - لِيُبَيِّنَ - لِيَتَوَكَّلَ

(۴) لَا يُشْرِكُ - لِيُبَيِّنَ - لِيَعْتَمِدَ

پاسخ تشریحی سؤال ۹۹:

پاسخ صحیح: گزینه چهارم

توضیح: در این جاهای خالی باید گزینه مناسب جاگذاری شود؛ اولین جای خالی نیاز به یک فعل نهی دارد یعنی فعلی که اول آن «لا» و آخرش نیز مجزوم باشد. علاوه بر این در جای خالی دوم ما نیاز به فعلی داریم که همراه با لام تعلیل آورده شده باشد و در آخرین جای خالی نیز به فعلی نیاز داریم که بصورت امری بیان شده باشد که تمام این ها در گزینه چهارم بیان شده است؛ اما در گزینه های دیگر بصورت کامل آورده نشده و

بعضی از کلمات مناسب جای خالی نیست. لازم به ذکر است که گزینه اول به پاسخ صحیح نزدیک است اما ما در این ساختار نیا به «لیبن» داریم نه «ان یبن».

سؤال ۱۰۰ - اَمَلِ الْفَرَاعَاتِ بِالْمُفْرَدَاتِ الصَّحِيحَةِ:

«إِنَّ السَّائِحِينَ إِلَّا لَزِيَارَةَ الْمَعَالِمِ وَهُمَا مِنْ هَذِهِ الزِّيَارَةِ.»

(۱) لَنْ يَذْهَبَا - التَّارِيخِيَّةَ - فَرَحِينَ

(۲) لَمْ يَذْهَبَا - التَّارِيخِيَّةَ - فَرَحَانَ

(۳) لَّا يَذْهَبَانِ - التَّارِيخِيَّةُ - فَرَحِينَ

(۴) لَّا يَذْهَبَا - التَّارِيخِيَّةَ - فَرْحُونَ

پاسخ تشریحی سؤال ۱۰۰:

گزینه صحیح: گزینه دوم

توضیح: در این سوال مهمترین راه برای شناخت گزینه صحیح دقت به اعراب کلمه «التاریخیه» هست که حتما باید مجرور باشد زیرا صفت برای کلمه «المعالم» قرار گرفته و کلمه «المعالم» مصاف الیه و مجرور است و لازم است که صفت آن هم با او در اعراب مطابقت داشته باشد. نکته بعدی کلمه «فرحان» است که خبر و مرفوع است و همانطور که سابقا هم بیان شد، اسم مثنی در حالت رفعی الف و نون میگیرد..